یادداشت

آموزش‌های نجات‌بخش

■ حسین فصیحی

انتشار خبرهای جنایی آن هم با انگیزه‌های پیش پاافتاده همواره مورد حیرت جامعه می‌شود، موضوعاتی مثل نگاه چپ، سرد شدن چای، سوختن غذا، شاخه درخت، صدای پرنده، لهجه شهرستانی و هر رویداد دم‌دستی که موضوعات اجتماعی هستند، خیلی وقت‌ها به حوادث جنایی منجر می‌شود. یک طرف ماجرا فردی به کام مرگ می‌رود و خانواده‌اش سوگوار می‌شود و سوی دیگر ماجرا، فرد مرتکب است که بازداشت می‌شود و به دلیل ارتکاب قتل یا قصاص می‌شود یا در صورت نجات از مرگ ۱۰ سال از عمرش را باید در زندان سپری کند و بعد از آزادی با برچسب قاتل به حیات خود ادامه دهد. انتشار این دسته از خبرها به جامعه یادآور می‌شود که هر فرد چقدر در معرض آسیب قرار دارد و در صورت نداشتن مهارت و کسب نکردن آموزش‌های لازم برای برقراری روابط اجتماعی ممکن است به خود و دیگران آسیب برساند. بررسی این انگیزه‌ها در جریان دادرسی و براساس محتویاتی که در پرونده‌ها موجود است، انجام می‌شود، چراکه ممکن است عوامل دیگری بر انگیزه حادثه تأثیر داشته‌باشد؛ عواملی مثل مصرف موادمخدر، مشروب یا اختلاف‌های زمینه‌ای که بروز حادثه را منجر می‌شود. با این حال یک موضوع کلی در بررسی این دسته از انگیزه‌ها مطرح است و آن اینکه آستانه تحمل جامعه به شدت پایین است و تعامل اجتماعی به راحتی به تقابل افراد و بروز جرم منجر می‌شود. نابسامانی آموزش عمومی و عدم تمکین از قانون، نقش مهمی در بروز این حوادث دارد. بررسی این دسته از اخبار نشان می‌دهد افرادی که از سطح آگاهی لازم برخوردارند، عمدتاً مهارت مدیریت میدان را دارند و در صورت قرار گرفتن در موقعیت، از آن عبور می‌کنند. انتشار این دسته از اخبار همچنین به ما یادآور می‌شود که جامعه به شدت از فقدان آموزش رنج می‌برد و فقر این موضوع سبب می‌شود که افراد بر سر موضوعاتی دم‌دستی به شدت پرخاشگر شوند و به دلیل نداشتن مهارت، کنترل خشم دست به ارتکاب جرم بزنند.

شهادت ۲ مرزبان در مرز پاوه و بانه

دو نفر از مرزبانان فرمانده انتظامی در جریان درگیری با اشرار مسلح در مرز پاوه و بانه به شهادت رسیدند.

به گزارش جوان، سرهنگ رضا شیراوژن، معاون فرهنگی اجتماعی مرزبانی فراجا گفت که در جریان درگیری مسلحانه مرزبانان با گروهک‌های تروریستی، دو نفر از مرزبانان به نام‌های ستوان‌دوم مهدی محمدی‌نسب و استوار دوم علی فاضلی‌شاد به شهادت رسیدند. این حادثه شامگاه سه‌شنبه اتفاق افتاد که مرزبانان هنگام پایش نوار مرز با افراد مسلح تروریستی که قصد داشتند از دو نقطه مرزی در هنگ‌های پاوه و بانه وارد کشور شوند درگیر و مانع نفوذ تروریست‌ها به داخل کشور شدند. در جریان دو عملیات، یک گروهک تروریستی منهدم و مقدار قابل توجهی سلاح و مهمات نیز کشف شد.

نجات زن میانسال از میان دود و آتش

زن میانسالی که در حادثه آتش‌سوزی در مغازه ابزارفروشی میان آتش و دود گرفتار شده بود با تلاش آتش‌نشانان نجات پیدا کرد.

به گزارش جوان، روز گذشته آتش‌نشانان سه ایستگاه از حادثه آتش‌سوزی در مغازه ابزارفروشی در میدان ۹۳ نارمک باخبر و در محل حاضر شدند. یدالله مددی، مدیر منطقه ۶ عملیات آتش‌نشانی توضیح داد: محل حادثه، ساختمان مغازه ابزارفروشی بود که از حیاط آن به عنوان انبار پوشال و اسپری رنگ استفاده می‌شد که در آتش شعله‌ور بود و به ساختمان مسکونی دو طبقه‌ای که روی مغازه بنا شده بود هم سرایت کرده بود. امدادگران همزمان با ایمن‌سازی و تلاش برای مهار آتش، شروع به جست‌وجو کردند و زنی میانسال را که میان دود گرفتار شده بود، نجات دادند. در جریان حادثه، ساختمان دو طبقه مسکونی هم به‌طور کامل در آتش سوخت که علت حادثه در دست بررسی است.

زندان و تبعید مجازات تعرض به ۷ کودک

مرد فریبکار که متهم است به دختران دانش‌آموز در شهرستان فردوس تعرض کرده به زندان و دو سال تبعید محکوم شد. رأی دادگاه با اعتراض شاکیان در دادگاه تجدیدنظر بررسی خواهد شد.

چندی قبل خانواده هفت دختر دانش‌آموز به پلیس شهرستان فردوس در استان خراسان جنوبی خبر دادند معلم آنها که مردی میانسال است به فرزندانشان تعرض کرده است. آنها در طرح شکایت‌های مشابه گفته بودند از مدتی قبل متوجه اضطراب و تغییر رفتار فرزندانشان شده‌اند و بعد از تحقیق متوجه شده بودند معلم‌شان به آنها تعرض کرده است. براساس بررسی‌های انجام شده، معلم که مردی ۵۵ ساله بود از مدتی قبل پارکینگ خانه‌اش را به کلاس‌های تقویتی تبدیل کرده و در فرصت مناسب با نشان دادن فیلم‌های غیراخلاقی آنها را آزار داده بود. بعد از طرح شکایت، متهم بازداشت و پس از کامل شدن تحقیقات، پرونده برای بررسی به شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ شهرستان فردوس فرستاده شد. هرچند متهم در جریان تحقیقات، اتهامش را انکار کرد، اما دادگاه براساس مدارک موجود وی را به دلیل در دسترس قرار دادن محتویات مستهجن برای اطفال و نوجوانان به تحمل سه ماه حبس، به اتهام آزار و اذیت به تحمل دو سال زندان و درباره بهره‌کشی جنسی از طریق در اختیار قرار گرفتن اطفال به تحمل پنج سال زندان محکوم کرده است. دادگاه همچنین متهم را برای مجازات تکمیلی به دو سال ممنوعیت اقامت در فردوس محکوم کرد. قاضی علی موحدی‌راد، رئیس کل دادگستری خراسان جنوبی گفت که پرونده با اعتراض شاکیان به دادگاه تجدیدنظر استان ارجاع شده است. وی ادامه داد: متهم ۲۹ سال سابقه فعالیت در آموزش و پرورش را داشت و برگزاری کلاس‌های تقویتی در پارکینگ خانه‌اش هیچ ارتباطی به آموزش و پرورش نداشت.

متهم: مست بودم

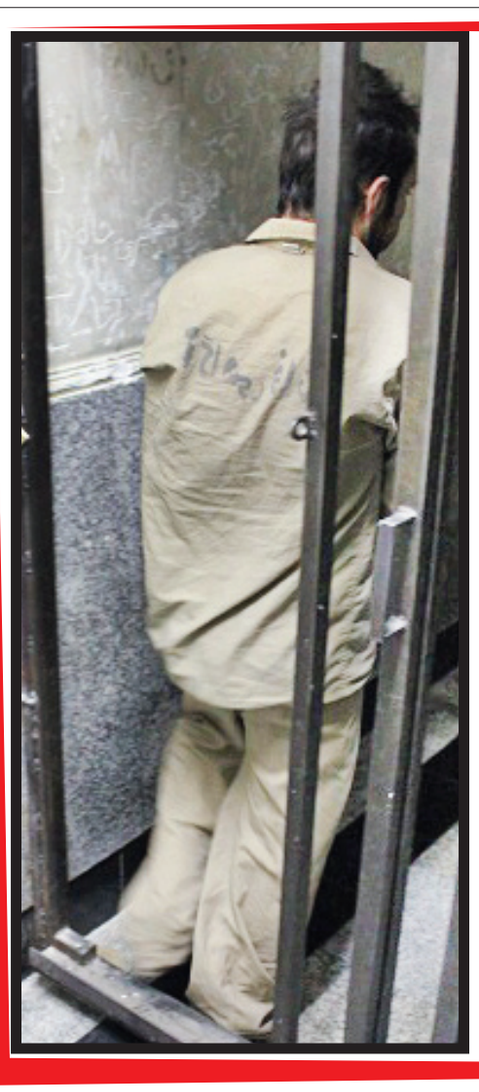

پسر جوانی که متهم است در جریان درگیری با شاگرد مغازه میوه‌فروشی، مرد میانجی را به قتل رسانده، در جلسه دادگاه گفت که هنگام حادثه مست بوده و روی رفتارش کنترل نداشته است.

به گزارش جوان، شهریور ۱۴۰۰، مأموران پلیس تهران از درگیری خونین در شرق تهران باخبر و راهی محل شدند. درگیری مقابل یک مغازه میوه‌فروشی اتفاق افتاده بود و در آن درگیری، پسر جوانی به نام طاها بر اثر ضربه چاقو، زخمی و به بیمارستان منتقل شده بود. ضارب، پسر ۲۲ ساله‌ای به نام امید بود که بعد از ارتکاب به جرم متواری شد.

تلاش برای شناسایی امید ادامه داشت که خبر رسید، طاهای ۲۷ ساله بر اثر شدت خونریزی فوت کرده است. با مرگ پسر جوان، پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد و تلاش برای شناسایی و بازداشت امید در جریان بود تا اینکه دو ماه بعد از حادثه، پسر جوان به اداره پلیس رفت و به قتل اعتراف کرد.

او در توضیح گفت: «روز حادثه در محل ایستاده بودم که یکی از کارگرهای مغازه میوه‌فروشی به نام ساسان را دیدم. با او کاری نداشتم، اما او همین‌طور به من چپ‌چپ نگاه می‌کرد، به همین خاطر عصبانی شدم و کار به درگیری کشید. فکر نمی‌کردم درگیری بالا بگیرد، اما این اتفاق افتاد و در آن درگیری از شدت عصبانیت یک سیلی به صورت ساسان زدم. او همان موقع به مغازه رفت و بعد از چند دقیقه با چند نفر از دوستانش برگشت.

متهم ادامه داد: «طاها، یکی از دوستان او بود که برای طرفداری از ساسان به طرفم حمله کرد، سپس با دسته یک تی به سرم کوبید. با آن ضربه، سرم گیج رفت. بعد از لحظاتی به خودم آمدم و با چاقویی که همراه داشتم، چند ضربه به سینه او زدم و فرار کردم.»

او درباره فرارش گفت: «در این مدت از ترس پلیس شب‌ها در پارک می‌خوابیدم و در خیابان آواره بودم. از آن شرایط خسته شدم، به همین خاطر تصمیم گرفتم به اداره پلیس بیایم و خودم را معرفی کنم.»

با اقرارهای متهم، وی راهی زندان شد و پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

متهم با تعیین شعبه در وقت رسیدگی مقابل هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه قرار گرفت. با اعلام رسمیت جلسه، اولیای دم که مادر مقتول بود در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: «پسرم بی‌دلیل کشته شد. راضی به گذشت نیستم و درخواست قصاص دارم.»

در ادامه متهم در جایگاه ایستاد و در حالی که سرش پایین بود با ابراز پشیمانی بار دیگر ماجرا را شرح داد. او در آخرین دفاعش گفت: «مقتول را نمی‌شناختم و با او خصومتی نداشتم. فقط آن روز به خاطر مصرف مشروب حال طبیعی نداشتم، به همین خاطر این اتفاق افتاد.» او در ادامه عنوان کرد: «آن روز، ساسان همراه دختری رد می‌شد، به همین خاطر وقتی آنها را نگاه کردم، او فکر کرد منظوری دارم.

همین مسئله باعث درگیری شد، اما درگیری با وساطت چند نفر تمام شد. ساسان دست‌بردار نبود، او رفت داخل مغازه و با چند نفر از دوستانش برگشت. وقتی ساسان و طاها به من نزدیک شدند، خواستند به کوچه‌ای خلوت برویم تا با هم صحبت کنیم. قبول کردم، اما وقتی آنها داخل کوچه آمدند با میله به سرم زدند و از سرم خون جاری شد. خون روی صورتم ریخته بود و به خوبی اطراف را نمی‌دیدم، به همین دلیل برای دفاع از خود دست به چاقو شدم و ناخواسته ضربه به سینه مقتول برخورد کرد. پشیمانم و از اولیای دم درخواست گذشت دارم.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

فرار مرد بازنشسته پس از قتل همسرش

مرد بازنشسته که متهم است همسرش را در خانه‌اش به قتل رسانده و از محل گریخته‌است، تحت تعقیب پلیس پایتخت قرار گرفت.

به گزارش «جوان»، ساعت ۲۴ نیمه شب سه‌شنبه ۲۸ تیر قاضی محمد جواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از قتل زن میانسالی در آپارتمان محل زندگی‌اش در غرب تهران با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در محل حادثه داخل حمام طبقه دوم آپارتمان مسکونی با جسد مثله‌شده زن ۵۰ ساله‌ای به نام مهرانه روبه‌رو شدند که به طرز وحشتناکی به قتل رسیده‌بود.

نخستین بررسی‌ها حکایت از آن داشت که مقتول همراه شوهر بازنشسته‌اش در این آپارتمان زندگی می‌کرده‌است و دو فرزند پسر هم دارند تا اینکه ساعتی قبل یکی از پسران مقتول به خانه می‌آید و با جسد مادرش داخل حمام روبه‌رو می‌شود و حادثه را به مأموران پلیس خبر می‌دهد.

پسر جوان در توضیح حادثه به مأموران پلیس گفت: «وقتی به خانه‌مان آمدم هر چقدر مادر و پدرم را صدا زدم، کسی جواب مرا نداد. وسایل خانه کمی به هم ریخته‌بود که معلوم بود اتفاقی در خانه افتاده‌است. به همین‌خاطر با برادرم و پدرم تماس گرفتم که پدرم جواب نداد، اما برادرم گفت از مادرمان خبری ندارد. در حالی که کنجکاو شده‌بودم به داخل حمام رفتم و در آنجا ناگهان با جسد مثله و خونین مادرم روبه‌رو شدم. خیلی شوکه شده‌بودم و با داد و فریاد از همسایه‌ها درخواست کمک کردم و بعد هم موضوع را به مأموران پلیس خبر دادم.»

تحقیقات میدانی مأموران پلیس نشان داد مقتول زن وسواسی بوده و از مدتی قبل هم به خاطر همین موضوع با شوهرش که بازنشسته است، درگیری و مشاجره لفظی داشته‌است. صدای درگیری آنها را همسایه‌ها هر چند وقت یک بار می‌شنیده‌اند و آخرین‌بار هم یک روز قبل صدای درگیری آنها از خانه‌شان شنیده شده‌است.

همچنین در نخستین معاینات جسد در محل حادثه مشخص شد حدود ۱۰ ساعت از مرگ زن میانسال گذشته است.

بدین ترتیب همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، شوهر وی به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

گرفتار شدن در دام باستان‌شناس قلابی پس از آشنایی مجازی

■ آرمین بینا

باستان‌شناس قلابی که زن جوان را به بهانه نشان دادن کاوش در تپه‌های باستانی حوالی پاکدشت فریب داده و او را تا پرتگاه مرگ کشانده بود، بازداشت شد.

به گزارش جوان، چند روز قبل به مأموران پلیس تهران خبر رسید پیکر خونین و نیمه‌جان زن جوانی را راننده عبوری در اطراف شهرستان پاکدشت پیدا و برای درمان به یکی از بیمارستان‌های تهران منتقل کرده‌است.

وقتی مأموران به بیمارستان رفتند، تیم پزشکی اعلام کرد زن جوان بیهوش است و در تلاش هستند تا او را از مرگ نجات دهند.

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، به مأموران پلیس خبر رسید زن زخمی به‌هوش آمده و از مرگ نجات پیدا کرده است. بدین ترتیب مأموران دوباره راهی بیمارستان شدند و از وی تحقیق کردند.

■ **آشنایی در فضایی مجازی**

زن جوان در توضیح ماجرا گفت: «از دوران جوانی علاقه زیادی به تاریخ و باستان‌شناسی دارم، به همین خاطر سعی می‌کنم درباره باستان‌شناسی مطالعه و اطلاعاتم را زیاد کنم. از طرفی هم مدتی است در فضای مجازی، مطالب مربوط به باستان‌شناسی را دنبال می‌کنم. همچنین عضو کانال‌ها و گروه‌هایی هستم که درباره این رشته و عتیقه‌جات اطلاعات منتشر می‌کنند. چهار ماه قبل در فضای مجازی با مرد جوانی به نام بهزاد آشنا شدم که مدعی بود باستان‌شناس است. او اطلاعات زیادی درباره این رشته داشت و می‌گفت مدیر تیم حفاری است که هرچند وقت یک‌بار از طرف سازمان محل کارش همراه تیمش در تپه‌های باستانی برای یافتن آثار باستانی کاوش می‌کنند.»

■ **پرتگاه مرگ**

زن جوان گفته: «بهزاد همیشه در صفحه اینستاگرامش، عکس‌هایی از حفاری تپه‌های باستانی بارگذاری می‌کرد و وقتی از او سؤال می‌کردم، می‌گفت تیم او در آنجا مشغول حفاری است. او متوجه شده بود که من علاقه زیادی به این رشته دارم و دوست دارم از نزدیک شاهد حفاری و یافتن آثار باستانی باشم، به همین خاطر قول داده بود در حفاری جدیدش مرا همراه خودش ببرد. در این مدت او به من پیشنهاد ازدواج هم داد و من هم از اینکه مهندس باستان‌شناسی به من پیشنهاد ازدواج داده، خیلی خوشحال بودم و به او جواب مثبت دادم. او هر روز با چرب‌زبانی و دروغ من را با رؤیاهایم خوش می‌کرد، اما از نیت شومش خبر نداشتم تا اینکه یک روز قبل به من گفت، همراه تیمش در تپه‌ای حوالی پاکدشت در حال کاوش و حفاری هستند. او گفت، می‌خواهد مرا به محل حفاری ببرد تا از نزدیک کار آنها را ببینم. خیلی خوشحال شدم و برای دیدن تپه باستانی ثانیه‌شماری می‌کردم و در نهایت هم در محل قرار سوار خودرویش شدم و به طرف پاکدشت به راه افتادیم. او قبل از رسیدن به پاکدشت تغییر مسیر داد و به طرف بیابان‌ها رفت که به او مشکوک شدم و از او خواستم به تهران برگردد، اما مرد شیطان‌صفت، مرا با چاقو تهدید کرد که حرکتی نکنم. او قصد داشت به من تجاوز کند که در برابر خواسته شیطانی‌اش مقاومت کردم و با هم درگیر شدیم و کارمان به زد و خورد کشید و در نهایت با ضرباتی که او به سرم زد، بیهوش شدم و دیگر چیزی نفهمیدم، وقتی به هوش آمدم دیدم روی تخت بیمارستان هستم. آنجا بود که متوجه شدم راننده عبوری پیکر نیمه‌جانم را در بیابان‌ها پیدا کرده و به بیمارستان آورده و جان مرا نجات داده است.»

■ **دستگیری مرد شیطان‌صفت**

با شکایت زن جوان، پرونده به دستور قاضی محسن اختیاری، بازپرس شعبه هفتم دادسرای امور جنایی تهران برای دستگیری متهم در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران پلیس در تحقیقات تخصصی خیلی زود موفق به شناسایی باستان‌شناس قلابی شدند و سه روز بعد از حادثه، وی را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

متهم، صبح دیروز پس از انتقال به دادسرای امور جنایی به جرم خود اقرار کرد و در ادعایی گفت: «چندی قبل با زن جوان در فضای مجازی آشنا شدم. من اطلاعات زیادی درباره آثار تاریخی و عتیقه‌جات دارم و وقتی فهمیدم او به باستان‌شناسی علاقه زیادی دارد، تصمیم گرفتم او را فریب بدهم و از او اخاذی کنم، به همین خاطر خودم را باستان‌شناس معرفی و ادعا کردم سرتیم حفاری آثار باستانی هستم. پس از مدتی به او پیشنهاد ازدواج دادم، می‌خواستم به این شیوه اعتمادش را جلب کنم که موفق شدم او را فریب بدهم.» وی ادامه داد: «روز حادثه به او گفتم که در اطراف پاکدشت در حال حفاری برای پیدا کردن آثار باستانی هستم و از او خواستم اگر دوست دارد با من به محل حفاری بیاید که قبول کرد و سوار خودروی من شد. در میانه راه او متوجه نیتم شد و با من درگیر شد که سرش به در خودرو برخورد کرد و بیهوش شد. فکر کردم به قتل رسیده است، خیلی ترسیدم و او را از خودرو بیرون انداختم و فرار کردم. در این چند روز اخبار کشف جسدها را در فضای مجازی و روزنامه‌ها دنبال می‌کردم تا بفهمم جسدش کشف شده یا نه. اصلاً فکر نمی‌کردم زنده بماند تا اینکه دستگیر شدم و فهمیدم زنده مانده است.»

از آنجایی که این احتمال وجود دارد که متهم، زنان دیگری را هم به این شیوه فریب و مورد آزار و اذیت قرار داده باشد، به دستور قاضی پرونده برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

شکارچیان مردان پولدار به دام افتادند

دو زن فریبکار که متهم هستند با خوراندن داروی بیهوشی به مردان پولدار اموال آنها را سرقت می‌کردند، سرانجام به دام مأموران پلیس کرج افتادند.

به گزارش جوان، چندی قبل شکایت‌های مشابهی درباره سرقت به شیوه بیهوشی به مأموران پلیس آگاهی کرج گزارش شد. براساس شکایت مطرح شده، دو زن جوان با وعده دوستی، مردان پولدار را فریب می‌دادند و بعد از ورود به خانه آنها با شربت مسموم بیهوش‌شان کرده و اموالشان را سرقت می‌کردند. مأموران پلیس با بررسی شکایت‌های مطرح شده و بررسی دوربین‌های مداربسته موفق شدند متهمان را شناسایی و آنها را بازداشت کنند. دو متهم بعد از مواجهه با شاکیان به سرقت از آنها در تهران و کرج اعتراف کردند. سرهنگ محمد نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز گفت: دستور انتشار تصویر بدون پوشش دو متهم از سوی دادیار شعبه ۱۵ دادسرای ناحیه ۳ کرج صادر شده است و کسانی که از دو متهم شکایت دارند، به پلیس آگاهی البرز در کرج، میدان طالقانی، بلوار تعاون، ساختمان پلیس آگاهی مراجعه کنند.

یادداشت

اخلاق اجتماعی برای رسیدن به امنیت اجتماعی

■ سردار هوشنگ حسینی*

اخلاق از ضروری‌ترین نیازهای جامعه انسانی است و بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی ریشه اخلاقی دارد، به همین دلیل اصلاح اخلاق زیربنای اصلاح جامعه است و امنیت و آرامش فردی و اجتماعی را تأمین و تثبیت می‌کند. اخلاق اجتماعی، مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها و هنجارهایی است که نسبت به فرد، اموری بیرونی و مستقل تلقی می‌شوند که در جریان جامعه‌پذیری برای او، درونی می‌گردند و به صورت جزئی از شخصیت او درمی‌آیند و در نهایت رفتار فرد را در جامعه تعیین می‌کنند و حوزه‌هایی از فرهنگ عمومی یک جامعه را تشکیل می‌دهند و شامل عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هستند. توجه به اخلاق نه‌تنها با مسائل اعتقادی و باورهای ارزشی و دستورهای دینی مرتبط است، بلکه تکلیفی شرعی، اعتقادی و الهی بوده و بسترساز توسعه امنیت و آرامش فردی و اجتماعی و تضمینی برای شور و نشاط جامعه است. در خصوص ارتباط اخلاق با امنیت اجتماعی هم رفتار فضیلت‌گونه و هم رفتار مشارکت‌گرایانه اخلاق که در قالب اخلاق شهروندی مطرح می‌شوند، دارای نقش است. شرم و حیا به عنوان یک مفهوم اخلاقی و احساس گناه به عنوان یک مفهوم مذهبی-اخلاقی در قالب رفتارهای فضیلت‌گرایانه اخلاقی در کاهش جرم و جنایت و به نوعی ارتقای سطح امنیت عمومی نقش دارد.

مفهوم امنیت اجتماعی هم در وهله اول به معنای احساس آرامش و اطمینان‌خاطر و فقدان دلهره، تشویش، اضطراب و ترس است که به نوعی به معنای امنیت هستی‌شناسانه گروه‌ها و جوامع است و در وهله دوم شامل قابلیت حفظ و پاسداشت جوامع و گروه‌ها از الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف خود می‌شود که در این نوع، کارکرد خود جوامع و گروه‌ها و تعهد خود اعضا در آن بسیار نقش دارد.

امنیت عمومی که در سطوح امنیت مابین امنیت فردی و امنیت حکومت قرار گرفته است، ناظر بر وضعیت امنیت جامعه از منظر سرقت، دزدی، جرم و جنایت است و به معنای مبارزه و مقابله با مظاهر جرم و جنایت، همچون سرقت، قتل، کلاهبرداری و پیشگیری و همچنین احساس امنیت که به معنای احساس آرامش و اطمینان‌خاطر و فقدان دلهره، تشویش، اضطراب و ترس از وضعیت جرم و جنایت در جامعه است در سطح امنیت عمومی مطرح می‌شود. در اولویت اول امنیت اجتماعی، می‌توان از امنیت فردی، گروهی و اجتماعی سخن گفت. یکی از عوامل اساسی که تأمین‌کننده امنیت در ابعاد مختلف است، پایبندی به اصول اخلاقی است. تمام افراد در نظام شهروندی دارای حقوق و احترام و مسئولیت متقابل نسبت به یکدیگر هستند که رعایت آن یک التزام و عامل حفظ منزلت آنان است.

آسیب امنیت عمومی از منظر اخلاق، زمانی حادث می‌شود که مجرم و بزهکار با توجیه اخلاقی و منطقی عمل خلاف، وجدان خود را به منظور دوری از احساس شرم راضی کند.

همانطور که گفته شد در تحقق حس شرم، خود فرد است که با آگاهی از چنین وضعیتی به داوری در رابطه با خویش می‌پردازد و به طرد یا قبول رفتار خویش اقدام می‌کند. پس اگر کسی با استدلال و منطق خود را راضی به عمل خلاف کرده و در نهایت احساس شرم نداشته باشد با مهیا بودن سایر شرایط، مرتکب جرم و جنایت می‌شود.

بنابراین اگر در یک جامعه، تعداد بسیار زیادی از بزهکاران مرتکب جرم و جنایتی شوند و در این خصوص احساس شرم نکنند و به نوعی وجدان خود را راضی نگه دارند از منظر اخلاقی، وضعیت امنیت عمومی جامعه دچار آسیب شده است.

در واقع امنیت اجتماعی زمانی از منظر اخلاق، آسیب می‌بیند که رفتار فضیلت‌گونه در بین اعضای جامعه و شهروندان وجود نداشته باشد، به نحوی که بی‌اخلاقی در رفتارهای ضداخلاقی چون عدم تحمل و مدارا با خرده‌فرهنگ‌ها، عدم پذیرش سبک‌های مختلف زندگی یا حتی عدم احترام به حقوق اقلیت‌ها خود را نشان می‌دهد.

آسیب دیگر امنیت اجتماعی از منظر اخلاق به نبود بعد رفتار مشارکت‌گرایانه شهروندان برمی‌گردد، به این معنا که شهروندان جامعه احساس تعهد و مسئولیت به آنچه هویت آنها را تهدید می‌کند، ندارند. عدم تعهد اعضا و کناره‌گیری از نقش فعال به منظور حفظ رسوم، آداب و پاسداشت از هویت نیز می‌تواند به عنوان آسیب امنیت اجتماعی از منظر اخلاق تلقی شود. رفتار فضیلت‌آمیز اخلاقی امروزه مبتنی بر رعایت حقوق طرف ارتباط است؛ بر این بنیاد رفتارهایی که موجب تضییع حقوق طرف ارتباط شوند غیراخلاقی و باعث وارد آمدن خدشه به امنیت و آرامش می‌شود. باید به این نکته مهم در تحقق امنیت و آرامش توجه داشت که فرد اخلاقی در تعقیب منافع خود، آسیبی به جامعه وارد نمی‌سازد و خط قرمز منفعت‌طلبی‌ها و خودخواهی‌هایش خسران سایر افراد و جامعه است.

علاوه بر مؤلفه فضیلت بودن مفهوم اخلاق، مؤلفه دیگری که خیلی اهمیت دارد، مشارکت اجتماعی است که کنش اجتماعی داوطلبانه معطوف به منافع متقابل یا خیر جمعی را شامل می‌شود. این مفهوم بعدی جدید از اخلاق شهروندی نیز محسوب می‌شود که توجه به خیر جمعی تأثیرگذار در امنیت و آرامش بوده و بسترساز توسعه نشاط اجتماعی است.

در خاتمه باید گفت، اخلاق از ضروری‌ترین نیازهای جامعه انسانی است و بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی ریشه اخلاقی دارد، به همین دلیل اصلاح اخلاق، زیربنای اصلاح جامعه بوده و امنیت و آرامش فردی و اجتماعی را تأمین و تثبیت می‌کند.

*فرمانده انتظامی استان اردبیل